

راه صلیب

پاپ ژان پل دوم در کولوسئوم

تعمقها و نیایشها از

پروفسور الیویه کلیمان

VIA CRUCIS

POPE JOHN PAUL II

AT THE COLOSSEUM

Good Friday 1998

Meditations & Prayers by

Professor Olivier Clément

راه صلیب

جمعه مقدس، دهم آوریل ۱۹۹۸، در کولسئوم تعمقها و نیایشها از: پروفیسور اولیویه کلما

متن این راه صلیب، نوشته یکی از ایمانداران غیرروحانی کلیسای ارتدکس است. احساس مفسری همچون وی که خود را فردی عادی می‌داند، به دو دلیل عمده وی را بر آن داشته تا با احساس عمیق و قدردانی این دعوت را بپذیرد.

قبل از هرچیز به این دلیل که در هنگام سفر به سوی جلجتا، هیچ انشاقی نمی‌تواند وجود داشته باشد. محبت مسیح که تا به موت ادامه داشت هر نوع رفتاری را که ناشی از توبه و آشتی نباشد، ضعیف و بی برکت نشان می‌دهد. ثانیاً، نوشتن هر راه صلیب، مستلزم تعمق - با تجربه ای عرفانی و منحصر به فرد - بر اعمال و رفتارهای خدایی است که انسان شد و نیز بر آن لحظه ای که انسانیت ما را کاملاً بر خود گرفت، تا مرگ را از این دیدگاه بنگریم و آن را به سوی رستاخیز بکشاییم.

همچنان که در این چند سال اخیر دیده ایم، دو شیوه برای راه صلیب وجود دارد. جدیدترین شیوه، تنها بازخوانی و تفسیر متونی از انجیل است ولی متن قدیمی تر شامل مراحل می‌شود که ناشی از حساسیت قرون وسطی و به طور خاص سنت فرانسیسکن می‌باشد، به عنوان مثال سه بار افتادن و به زمین خوردن عیسی در راه جلجتا، یا ملاقات وی با ورونیکا (زنی از اهالی اورشلیم که طبق افسانه ای با منشاء فرانسوی و متعلق به قرن ۱۴ م. روسری خود را به

عیسی داد تا عرق و خون صورتش را با آن پاک کند. هنگامی که عیسی روسری را پس داد تصویر صورتش بر آن افتاده بود)، که این صحنه ها با متونی از عهد عتیق همراه گشته اند. نقاشی ها و مجسمه های بسیاری نه تنها در کلیساهای اروپای غربی بلکه در سراسر جهان، و نیز نمازخانه ها و صلیبهای بسیاری که در حاشیه جاده های زیارتی و بر قله کوهها برپا شده، این نوع معرفی راه صلیب را برای همگان آشنا ساخته است. به همین خاطر مفسر ترجیح داده است روش سنتی را دنبال نماید تا بتواند هم حساسیت جهان کاتولیک را بیان کند و هم در عین حال به دیدگاهی از نجات، خارج از این سنت، وفادار بماند.

غالباً گفته می‌شود که مسیحیت غرب بیشتر بر جمعه مقدس تأکید می‌ورزد و مسیحیت شرق بر عید قیام. چنین درکی از این موضوع غافل می‌ماند که صلیب و رستاخیز جدا ناشدنی هستند، همچنانکه تفسیر حاضر به روشنی بیانگر این نکته است. در جهان کاتولیک کسانی که نشانه زخمهای مسیح را بر خود دارند می‌دانند که خون جاری شده از زخمهایشان به وسیله نور التیام خواهد یافت و در جهان ارتدکس، هنگامی که «رنجهای مقدس» را در طول نمازهای جمعه مقدس برگزار می‌کنند و یا هنگام تأکید بر این که هر شخص نشاندار شده به وسیله نیایش و شفقت یک "stavroforo" یعنی یک «حامل صلیب» است، همیشه می‌دانسته که تنها صلیب می‌تواند حامل رستاخیز باشد.

برای یک ایماندار ارتدکس، ورود به روحانیت فرانسیسکن از راه صلیب، مستلزم تحقیق جهت روشن ساختن عمل انسانی و بُعد الهی بشر بوده است. زیرا خود خداست که در جلجتا در شرایط انسانی از رنج و عذاب سخت ما مجروح گردید تا راههای (احتمالاً غیرمنتظره) به سوی رستاخیز را بگشاید.

چنانکه می‌دانیم، عصر جدید نوعی مبارزه سنگدل و بی‌رحمانه را علیه خدا برانگیخته است، چه این امر، قدرت مطلق او در مفهوم انسانی این سؤال باشد (چرا این جهان این قدر پوچ و بد است؟) یا بخشش آزاد اراده او که پیامدهای آزادی ما را به خوبی می‌داند. ما باید ثابت کنیم- یا حداقل در پی استدلال باشیم- که تنها پاسخ ممکن به مسئله لاینحل شرارت قطعاً راه صلیب است.

خدا به اختیار خود تا شرارت و تا به موت نزول فرمود- شرارت و موتی که خود به هیچ وجه مسؤول آن نمی‌باشد و به گفته یک الهیدان معاصر احتمالاً در مورد آنها هیچ عقیده‌ای هم ندارد- تا برای همیشه میان خویشتن ما و بطالت، میانجیگری نماید تا بلکه احساس و تجربه نمائیم که واقعاً در قلب هیچ کس پوچی و بطالتی وجود ندارد و هر چه هست محبت است.

خدا و رای خدا، «اقیانوسی صاف و زلال»، و این انسان غرق در خون و آب دهان که تلوتلو می‌خورد و زیر سنگینی صلیبهای ما می‌افتد، یکی است و همان که واقعاً عظمت و «محبتش در حد جنون است». این اقتدار که منحصر به فرد بودن بی نظیر مسیحیت را ایجاد می‌کند. رنج بشر، تمسخر اجتماعی، یأس و ناامیدی جانهای رها شده و تمام این شرایط به نحوی به هم می‌رسند که خدا در میانشان آشکار می‌گردد، نه از مکانی اعلی که هجوم می‌برد، داوری و حکم می‌کند، بلکه همچون چشمه بی انتهای محبت در رابطه نامحدود با آزادی ما.

به این دلیل است که فاصله ظاهراً دست نیافتنی میان خدا و آن مصلوب شده- «خدای من، خدای من چرا مرا ترک کردی»- در آن واحد هم با دَمَش روح و هم با دَمَش رستاخیز پر می‌شود. آخرین مرحله در تاریخ انسانیت و جهان فرارسیده است: در خون جاری از پهلوی مسیح است که آتشی که او آمد تا در

زمین روشن سازد اکنون شعله ور است، همان آتش روح القدس که آزادی ما را حفظ می‌کند تا تاریخ خود را به قیامت بدل سازیم. ریزش و جریان صلح و نوری که نمی‌تواند خود را متجلی سازد مگر از طریق این آزادی که او رها می‌سازد و آن نیز متقابلاً او را رها می‌سازد...

بی شک این تصورات ما را به سوی خصلت نهایی این راه صلیب که به شکلی سنتی الهام‌گشته، سوق می‌دهند: نقش گسترده زنان، وفادار تا به آخر، بجز یوحنا، آماده‌ترین و مستعدترین شخص برای محبت. این مطلب با تصویر ورونیکا که چهره مسیح را با پارچه‌ای خشک کرده و تصویرش بر آن پارچه نقش می‌بست ثابت می‌شود، تصویری که بعدها در کلیساهای ما مخدوش گردید: بسیاری چهره‌های مقدسی که در آنها چهره خدا به طریقی کاملاً انسانی آشکار می‌شود تا شاید خدا را در هر چهره انسانی تشخیص دهیم.

البویه کلمان

* * *

نیایش مقدماتی :

ای خداوند صلیب
قلبها و ذهن های ما را به هم نزدیک کن
و آنها را با قلب و ذهن خود متحد بساز
تا ما دست در دست هم،
به دنبال قدمهای تو به سوی صلیب پیش رویم.
محبت خود را در ما افزون گردان
و ما را در پیمان اتحاد و یگانگی تقویت نما
به ما روح رفاقت عطا فرما
تا در پاسخ به محبت اعجاب انگیز تو به ما
و در محبت به یکدیگر
با وفاداری و ایمان بیشتر دعا کنیم.
عطا کن که این نیایش مشترک
ما را به اطاعت بیشتر از محبت و اراده تو
برای اتحاد ما در تو رهنمون سازد.
باشد که مشارکت نیایشی ما
در لحظات درد و رنج تو
شایستگی همدردی تو برای ما را داشته باشد
ما که خادمین فروتن محبت،
صلیب و رستخیز تو هستیم. آمین.
بند گردان : آن که محبت کرد خدا را خواهد شناخت
زیرا خداوند محبت است.

خواننده اول: ای خداوند عیسی،

با اشک و امید،
می خواهیم در راه صلیبت با تو همراه شویم.
اغلب در زیر یوغ کینه ها و عداوتهای ما
و شاید بی تفاوتی هایمان
تلوتلو می خوری، بر زمین می افتی
و دهانت را خاک پر می کند.
پس ما را بر آن ساز که به کمکت بشتابیم،
برگزیدگان رازگونه ای
همچون شمعون قیروانی،
و همچون ورونیکا جرأت نموده
چهره خاک آلوده ات را خشک نماییم
تا نور آن بر جهان مکشوف گردد.
بگذار متأثرترین آیه های اناجیل را
مطالعه نموده و بر آنها تعمق نماییم،
و از اشعیا، مراثنی و ارمیا نیز.
بگذار تا این کار را با هم انجام دهیم،
ما مسیحیان شرق و مسیحیان غرب،
زیرا آفتاب در همه جا طلوع کرده و همه جا غروب می کند:
شرق و غرب در ما هستند.
در سحرگاه هزاره سوم،
روح القدس، جوانی مسیحیت را آشکار می سازد.

بند گردان: آن که محبت کرد خدا را خواهد شناخت

زیرا خداوند محبت است.

خواننده دوم: آری، امروز مسیحیت بار دیگر

در مسکینی و در بخشش آغاز می شود.

در پای صلیب دیگر هیچ چیز

ما را از هم جدا نمی سازد،

نگاههایمان بر تو تلاقی می یابند

و هر یک از ما به نگاه دیگری محتاج است

تا تو را بهتر شناخته و محبت نماید.

تمام اندوه جهان در این ساعات رنج تو جمع گشته است.

حتی امروزه کسانی هستند که پدر را نمی پذیرند

و او را در عوض شریر ملامت می کنند.

اما تو مشتاقانه خود را در مرگ غوطه ور ساختی،

و پاسخ واقعی را به ایوب

و ایوبهای تاریخ دادی.

با زخمهای موجود در دستهایت، در پاهایت،

در پهلویت و یقیناً در قلبت،

اکنون نوری وجود دارد که می درخشد

تا همه چیز را در رستاخیز تبدیل نماید.

با قدرت و فخر روح،

ما را شاهدان محبتی ساز که

قدرتمند تر از مرگ است (غزل ۸:۶).

از طریق تشنجات تاریخ به ما نشان ده،

آن زن ملبس به خورشید را (مکا ۱۲:۱)،

یعنی مادرت و در عین حال کلیسایت،

تا در جهانی تغییر شکل یافته، زایمان کند.

کشیش: ای پدر، در مسیح و در روح القدس،

عظمت و جلال، تا به ابد

از آن توست، آمین.

مرحله اول

عیسی به مرگ محکوم می شود

(انجیل متی ۲۷: ۲۲-۲۳ و ۲۶)

پس پیلاتس گفت، با عیسی که مسیح خوانده می شود چه باید بکنم؟
همه گفتند، مصلوبش کن!

پس او پرسید، چرا؟ مگر او چه گناهی مرتکب شده؟
آنان بیشتر فریاد زدند، مصلوبش کن!

پس او باراباس را برای ایشان آزاد ساخت؛
و پس از شلاق زدن عیسی او را سپرد تا مصلوب شود.

تعمق

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی،
قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی.
باشد که در زخمهای تو شفا یابیم،
در زخمهای تو شفا یابیم.

خواننده اول: مصلوبش کنید! فریاد ناشی از خشم کور جمعیت
تکرار می شود- آیین نیایش عجیب مرگ-

این فریاد که در سراسر تاریخ انعکاس می یابد
در این قرن نیز که به پایان خود نزدیک می شود
طنین انداز است،

خاکسترهای آشویتس و یخ های گولاگ،
آبهای خون آلود شالیزارهای آسیا
و دریاچه های آفریقا،
قتل عاملهای در بهشت.

کودکان رانده شده، به فحشاء کشیده شده، دچار نقص عضو گردیده.
آه نه، نه قوم یهود،

که مدتهای طولانی است از سوی ما مصلوب شده،
نه جمعیتی که همیشه باراباس را ترجیح می دهد

زیرا او شرارت را با شرارت تلافی می کند،
نه ایشان، بلکه همه، هر یک از ما،

زیرا همه ما قاتلان محبت هستیم.

خواننده دوم: بنگر چگونه آن زنده،

که هیچ بذر موتی در او کاشته نشد،
به مرگ محکوم می گردد.

شلاقها بدنی را مجروح می سازند که روح
در آن می دمدم.

آنان او را برای مصلوب شدن بردند.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم.

همه: ای روح حیات، روح راستی،

ای تدهین کننده مسیحایی عیسی، (قدیس گریگوری اهل نیسا)

تو که با کلام او بذرهای تاریخ را

به عمل آوردی،

اکنون سکوتی هستی

در قلب «کلمه» تحقیر شده.

نیایش ما را با این سکوت، قدرت ببخش

تا در حالی که به حرکت درآمده و برانگیخته شده بتواند

با عیسی همراه گردد هنگامی که اعماقی را که ما ساخته ایم می پیماید.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی؛

نام تو مقدس باد؛

ملکوت تو بیاید؛

اراده تو چنانکه در آسمان است،

بر زمین نیز کرده شود.

نان کفاف ما را امروز به ما بده؛

ببخشای گناهان ما را؛

چنانکه ما نیز می بخشیم مدیونان خود را؛

و ما را در آزمایش میاور،

بلکه ما را از شریر رهایی ده.

کشیش:

مرحله دوم

عیسی را مجبور به حمل صلیب می کنند

(انجیل متی ۲۷: ۲۷-۳۱)

آنگاه سپاهیان والی عیسی را به دیوانخانه برده

تمامی فوج را گرد وی جمع نمودند.

و او را عریان ساخته لباس قرمزی بدو پوشانیدند

و تاجی از خار بافته بر سرش نهادند

و نی به دست راست او دادند

و پیش وی زانو زده استهزاء کنان می گفتند:

سلام ای پادشاه یهود!

و آب دهان بر وی افکنده نی را گرفته بر سرش می زدند.

بعد از آن که او را استهزاء کرده بودند،

آن لباس را از وی کنده و لباس خودش را پوشانیدند

و او را به جهت مصلوب نمودن بیرون بردند.

تعمق

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی،

قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی.

باشد که در زخمهای تو شفا یابیم،

در زخمهای تو شفا یابیم.

خواننده اول: ای عیسی، استهزاء و تمسخر به طریقی عجیب تو را تدهین می کند.

اکنون ملبس به ارغوان پادشاهانی،

تاج بر سر و عصای سلطنتی در دست داری.

اما رنگ ارغوانی در واقع خون تو و خون بی گناهی است

که جهان را سیراب می سازد.

تاج تو از آن خارهایی است

که در خاک نفرین شده از گناهان ما می رویند (پید ۳:۱۸).

عصای سلطنتی نی ای است که دستت را مجروح می سازد.

بند گردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی،

قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی .

باشد که در زخمهای تو شفا یابیم،

در زخمهای تو شفا یابیم.

خواننده دوم: زیرا تمام کسانی که تو را نمی شناسند و مسخره ات می کنند

حقیقت را می گویند:

تو پادشاه یهودی.

شاید روزی، به واسطه اشکهای هاجر (پید ۲۱:۱۶)، تو را بشناسند،

و از طریق ایشان توده های مردم تو را به عنوان

پادشاه تمامی بشریت و جهان خواهند شناخت.

خارها بر پیشانی ات همچون ستارگانی می درخشند.

عصای سلطنتی در دستت، میله آهنی نیست که بشکند

بلکه نی ای است که با شکنندگی مضحک اش موسیقی می آفریند.

خوشا به حال شما چون که شما را فحش گویند و جفا رسانند و

هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند (مت ۵: ۱۱).

آنگاه روح، آسمانها را در قلوب شما به زندگی خواهد آورد.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم.

همه: ای عیسی، که مورد طعنه و استهزاء قرار گرفتی،

ای عیسی، که طرد گردیده و تحقیر شده ای،

این عطیه را به ما بده تا تو را بیابیم، خدمت نماییم،

در تمام کسانی که بیرون رانده شده و تحقیر می شوند.

و نیز تمام کسانی که به واسطه اختلاف ما

و عبارات بی جان ما از تو فاصله می گیرند

کسانی که حیات را در اعماق مرگ، می جویند:

داروی بمبها و دشنه ها، داروی احساسات،

بدون شادی، خرسند می گردند.

می طلبیم که روح قدوست بر همه آنها آشکار نماید،

اعماق چنین طغیانی را

نه آن پوچی ترسناک، که در پی آن بودند،

بلکه رخسار تو را که با محبت مضمحل گردیده،

آفتابی از خون.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله سوم

عیسی اولین بار بر زمین می افتد

(اشعای نبی ۵۳: ۴-۶)

لکن او غمهای ما را برخورد گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود؛
و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم.
و حال آن که به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید
و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم.
جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم،
و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود،
و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد.

تعمق

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی،
قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی.
باشد که در زخمهای تو شفا یابیم،
در زخمهای تو شفا یابیم.
خواننده اول: ای عیسی، در زیر بار صلیب،
زیر بار تمام صلیبهای ما،
تو برای اولین بار بر زمین افتادی.
و برخاستی تا به سوی آن جراحات کشنده پیش روی،

جراحاتی که زخمهای ما را شفا خواهند داد.

تو که شرارت و مرگ را نیافریده ای،
همچون خادمی رنج کشیده به استقبال آنها شتافتی
تا روحی را به ما ببخشی که بر آنها غلبه خواهد یافت.
خواننده دوم: درد آنان که امروز در جهان رنج می کشد،
تو را به زمین می اندازد.

اکنون تو بشریت را به واقع می شناسی،
هر یک از ما در بن بست خود سرگردانیم،
و می انگاریم که آن راه خود ماست،
به سوی پوچی که بزودی ما را غوطه ور می سازد.
تو در مسیر انزوای ما سیر می کنی،
در مسیر آدمکشی و بت پرستی ما،
و طریق بخشایش را می گشایی.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم
همه: هنگامی که دلسردی و تلخی می آید و طغیان می کند،
طغیان علیه یک بیماری سخت که
گریبان گیر مادری جوان می شود
و او را از محبان خود جدا می سازد،
احساس ضعف
هنگامی که جلاد اعضای بدن قربانی را از هم جدا می کند
(و غنایم را به یغما می برد)

و هنگامی که مامون (Mammon) بدون مانعی
مردم را به گرسنگی می کشاند
آنگاه ای عیسی به ما کمک کن تا بدانیم
که این صلیب ها نیز از آن تو هستند
و از رستاخیز تو جدا نیستند.
یأس مرا به امید بدل گردان
شب تاریکم را به اعتماد مبدل ساز،
و ضعفم را به تلاش جهت رسیدن به حیات،
تو که خون گریه کردی،
می توانی اشکها را از چشمان ما بزدایی (مکا:۷:۱۷، ۴:۲۱؛ اش:۸:۲۵).

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله چهارم

عیسی مادرش را ملاقات می کند

(انجیل لوقا ۲: ۳۴-۳۵ و ۵۱)

پس شمعون ایشان را برکت داده و به مادرش مریم گفت
اینک این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل
و برای آیتی که به خلاف آن خواهند گفت
و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت
تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود.
پس با ایشان روانه شده به ناصره آمد و مطیع ایشان می بود
و مادر او تمامی این امور را در خاطر خود نگاه می داشت.

تعمق

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی،
قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی.
باشد که در زخمهای تو شفا یابیم،
در زخمهای تو شفا یابیم.
خواننده اول: ای مریم،
ای زن مقاوم و خردمند،
با رضایت خود آزادی ما را سبب گشتی.
بدون آن رضایت، حتی با امید گرم پدر،
کلمه نمی توانست جسم گردد.

«بگذار بر حسب کلام تو بر من واقع شود» (لو ۱:۳۸):

پس روح قادر گشت بر تو نزول نماید،

در اولین پنطیکاست،

و سرود سرودها را طنین اندازد،

سرود تاریخ و سرود کائنات را.

ای مریم،

تو آن زمان دختر جوانی بودی در جلیل.

و چهره ات جدی و دلسوز شد

حینی که در سکوت به چنین عجایی اندیشیدی.

تو فوراً نفهمیدی

اما بعد به شک افتادی

و افکار و نگرانیهای یک مادر را دانستی (مت ۱۲:۴۶ و ۵۰).

خواننده دوم: اما دلیل آن برای تو روشن بود،

دلیل انجام نبوتها

زیرا خدا با بازوی خویش قوت را نشان داده

و گرسنگان را با چیزهای نیکو پر ساخته بود (لو ۱:۵۱ و ۵۳).

اکنون تو با دشنه ای در قلبت

عیسی را در راه صلیبش

دنبال نموده ای،

بی شک تو می گریستی اما او بود

که تو را تسلی داد:

ای مادر گریه نکن،

چون در سه روز خواهم برخاست .

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم

همه: ای مریم مقدس، مادر خدا،

از پسرت برای ما طلب کن،

تا هنگامی که صلیب بی قیاس انسانیت

دشنه ای شود در قلب ما،

ما، همراه با تو، آن خدایی را

به جهان عرضه داریم که دور از دسترس نگاه داشته شده بود

اما تو دانستی چگونه خوش آمدش گویی

تا همه چیز را برحسب محبت خویش تازه گردانند.

ای مریم مقدس، مادر خدا،

این مادری جان را

که به محبت اجازه درخشیدن می دهد به هر یک از ما ببخش.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله پنجم

شمعون قیروانی عیسی را در حمل صلیب کمک می کند

(انجیل متی ۲۷:۳۲، ۱۶:۲۴)

چون بیرون می رفتند شخصی قیروانی شمعون نام را یافته
او را به جهت بردن صلیب مجبور کردند.
آنگاه عیسی به شاگردان خود گفت:
اگر کسی خواهد متابعت من کند،
باید خود را انکار کرده و صلیب خود را برداشته از عقب من آید.

تعمق

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی،
قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی.
باشد که در زخمهای تو شفا یابیم،
در زخمهای تو شفا یابیم.
خواننده اول: شمعون اهل دور دستها، از قیروان،
که بی شک یک تبعیدی بازگشته بود،
یک روستایی (مر ۱۵:۲۱)
یکی از آن افرادی که با نظر تحقیر نگر بسته می شوند
زیرا شریعت را به درستی نمی دانند.
او از مزارع می آمد و چیزی از آن داستانی

که در جریان بود نمی دانست.

افسر رومی متوجه او می شود،
متوجه بازوان ستبر و شانه های پهن او،
او یکی از آن مسکینانی است
که می توان همچون بردگان با او رفتار نمود.
او اطاعت می کند چون باید اطاعت کند،
و چوبه دار آن مرد بی رمق را برمی دارد،
که احتمالاً چون خود او مسکین است،
یا حتی بدبخت تر، یک راهزن یا یک شورشی.
اما شاید مخفیانه نیم نگاهی رد و بدل گردید،
که قلب او را به رحمت گشود
حقیقتاً در اینجا اشتیاقی سهیم می گردد.
خواننده دوم: از این رو سرنوشت، اغلب ما را می خواند،

صلیبی بردوش ما گذاشته می شود،
فریادی برای کمک که ما نمی توانیم بگیریم
یا ناامیدی یک دوست.
چطور ما نمی توانیم فوراً
شخصیتهای مضحک خود را رها کرده،
مشاغل مسخره خود را به کناری نهیم،
و این صلیب غیرمنتظره را
با اعتماد کامل حمل نماییم.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم.

همه: ای مبادله اعجاب انگیز رنجها:

ای عیسی، ما را یاری ده تا بدانیم که،

وقتی ناامید و مردد هستیم،

تو هستی که صلیبهای ما را بر دوش خود بر می داری.

به واسطه تو و حیات قیام کرده ات،

آن صلیب غیرمنتظره وسیله ای برای نجات می شود.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله ششم

ورونیکا چهره عیسی را پاك می کند

(اشعیای نبی ۵۳: ۲-۳؛ مزمو ۲۷: ۸-۹)

زیرا به حضور وی مثل نهال و مانند ریشه در زمین خشک خواهد روئید.

او را نه صورتی و نه جمالی می باشد

و چون او را می نگریم، منظری ندارد که مشتاق او باشیم.

خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غمها و رنج دیده

و مثل کسی که روی ها را از او بپوشانند

و خوار شده که او را به حساب نیاوردیم.

دل من به تو می گوید، روی مرا بطلبید.

بلی روی تو را ای خداوند خواهم طلبید.

روی خود را از من بپوشان و بنده خود را در خشم برمگردان،

تو مددکار من بوده ای،

ای خدای نجاتم مرا رد مکن و ترک منما!

تعمق

بندگردان: آن که محبت کرد خدا را خواهد شناخت،

زیرا خداوند محبت است.

خواننده اول: اغلب گفته می شود که یک برده منظری ندارد،

و بنگر که چگونه زیباترین پسر آدمیان،

کسی نیست جز این بنده زجر دیده

که هر چه کمتر دیده می شود بیشتر عذاب می کشد.

از این رو او در شمار
بی چهرگان عالم محسوب می گردد،
آنانی که مضروب می شوند به نحوی که از قیافه می افتند
و جان از ایشان ربوده می شود،
کسانی که ساعتها در برابرشان چیزی ندارند،
مگر صفحات کامپیوتری،
آنانی که خواسته می شوند بدون آنکه محبت شوند،
آنانی که در تشکیل جوانی کاذبشان دولتمندند.
و شما، رهگذرانی تنها در جمعیت ها،
که هیچ کس بر آنها نمی نگرد،
با نگاهی که به هستی می آورد.
چهره هایی چون برگهای مرده در جویبارهای شهرهای بزرگ افتاده
اما دم عظیم روح القدس
بار دیگر در زیر صلیب به آنها حیات می بخشد
آن گاه که به هر یک از آنها می گویی:
امروز با من در فردوس خواهی بود.
خواننده دوم: تنها یک زن،
انسانی رحیم و دلسوز،
با نمادی مادرانه یا چون یک معشوق،
چهره ات را از پوشش غبار
عرق و خون و آب دهان پاک کرده است.
و بین که چگونه آن صورت مقدس،
که بر دستمال ورونیکا نقش بسته،
که به دست پادشاه ادسا می رسد

یا بر کفنی که با آتش روح سوخته است،
باید در کلیساهای ما یافت شود
تا بیاموزیم که در پس بسیاری از نقابها،
چهره ای انسانی،
و در پس بسیاری نقابها،
چهره خدا را بیابیم.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم
همه: ای خدا تو فوق تمام تصورات ما هستی،
تو صورت خود را در صورت مردی از جلوه افتاده،
مردی با چهره ای از شکل افتاده
بر ما آشکار نمودی.
زیرا حیات، خود را آشکار ساخته
و بر ما ظاهر شده است (یو ۱: ۲).
احساس و قوه درک ورونیکا را به ما عطا کن
تا صورت تو را
در هر انسانی ببینیم.
و همچون آن دستمال ورونیکا
چهره ات را بر قلبهای ما نقش کن
تا بر آتش نهاده شوند.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله هفتم عیسی بار دوم بر زمین می افتد

(مراثی ارمیا ۳: ۱-۲ و ۹ و ۱۶؛ نامه به عبرانیان ۴: ۱۵)

من آن مردی هستم که از عصای غضب وی مذلت دیده‌ام؛
او مرا رهبری نموده و به تاریکی در آورده است و نه به روشنایی؛
راه‌های مرا با سنگ‌های تراشیده سد کرده
و طریق‌های مرا کج نموده است.
دندان‌هایم را به سنگ ریزه‌ها شکسته
و مرا به خاکستر پوشانیده است.
زیرا رئیس کهنه نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود
بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه.

تعمق

بندگردان: یک صدا: آمین آمین شما را گویم:
همه: اگر دانه گندم به زمین افتاده نمیرد،
تنها ماند.

اما اگر بمیرد ثمر بسیار آورد
هللویاه، اگر بمیرد ثمر بسیار آورد
هللویاه، هللویاه، هللویاه، هللویاه،
خواننده اول: ای عیسی، پیشانی با شکوه تو
از آن همه خار در حال خون ریختن بود

و هنگامی که افتادی، پیشانی ات به سنگ‌های جاده خورد.

دهانت از خاک پر شد،

بار دیگر همچون جتسیمانی:

ای پدر، اگر ممکن باشد، این پیاله از من بگذرد؛

اما نه به خواست من بلکه به اراده تو (مت ۲۶: ۳۹).

ارمیای نبی در پیشانی خود،

ایمان آورد که با غضب خدا مذلت دیده است.

اما اکنون به خوبی می بینیم

که ابنای بشر، خدا را مضروب می سازند.

ای عیسی، میان تو و پدر فاصله ای نیست،

تو خود را به اراده او تسلیم نمودی

در تاریکی و نه در نور؛

و از این رو تاریکی حضور یافت.

خواننده دوم: پس تو قادری که اعماق بدبختی ما را ببینی

آن‌گاه که تمام راه‌هایمان بسته می شود.

یقیناً، حتی طرح گناه

از محبت مشهود بسیار دور است.

اما تضادش درخصوص غم و غصه و رنج

تو را به روی سنگ فرشها انداخت.

تو حامل رنج هر یک از ما هستی،

تو حامل رنج تاریخ هستی،

تا این که آن را برخیزانی.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم
همه: خداوندا، آنگاه که به نظر می‌رسد راه‌گیزی نیست،
مسیرها بسته و خاک دهانمان را پر کرده،

به ما نشان ده قوت تعمید را
که در آن اراده نمودی تا به خاطر ما مورد آزمایش قرارگیری (لو ۱۲: ۵۰).
تا قدرت روح القدس را

بر زمین نازل گردانی (لو ۱۲: ۴۹).
به ما بگو چگونه در این تعمید، تولد تازه می‌یابیم،
که هرگز ترک نمی‌شویم.

ای همنشین اسرارآمیز سقوط ما،
باشد که پوست مرده ما پاره شود،
و خاک و خاکستر در دهان ما،
هنگامی که قلب و فکرمان همه به سوی تو بازمی‌گردد،
طعم و مزه قربانی مقدس (عشاء) را به خود گیرد.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله هشتم
عیسی زنان اهل اورشلیم را می‌بیند

(مراثی ارمیا ۲: ۱۸ و ۱۹؛ انجیل لوقا ۲۳: ۲۷-۲۹ و ۳۱)

نزد خداوند فریاد برآورده (می‌گوید)!

ای دیوار دختر صهیون!

شبانه روز مثل رود اشک بریز و خود را آرامی مده!

و مردمک چشمت راحت نبیند!

شبانگاه در ابتدای پاسها برخیز!

فریاد برآور و دل خود را مثل آب پیش روی خداوند بریز!

و دستهای خود را به خاطر جان اطفال که از گرسنگی بر سر هر کوچه بیهوش
می‌گردند، نزد او برافراز.

گروهی بسیار از قوم و زنانی که سینه می‌زدند و برای او ماتم می‌گرفتند
در عقب او رفتند.

آنگاه عیسی به سوی آن زنان روی گردانیده گفت:

ای دختران اورشلیم برای من گریه مکنید،

بلکه به جهت خود و اولاد خود ماتم کنید.

زیرا اینک ایامی می‌آید که در آنها خواهند گفت،

خوشا به حال نازادگان

و رحمهایی که بار نیاوردند و پستانهایی که شیر ندادند.

زیرا اگر این کارها را به چوب تر کردند، به چوب خشک چه خواهند کرد؟

تعمق

بندگردان: آن که محبت کرد خدا را خواهد شناخت ،
زیرا خداوند محبت است.

خواننده اول: ای عیسی، تو در میان زنان هیچ دشمنی نداشتی.
زنی ناشناس، عطری گرانبها بر سر تو ریخت (مت ۷: ۲۶-۱۰)،

او مسیح را تدهین نمود؛

فاحشه ای پاهایت را با اشکهایش شست

و با موهایش خشک نمود؛

به خاطر محبت او و با نظر به مرگ خودت،

او را برکت دادی (لو ۷: ۳۷-۵۰).

تو مریم را که تفکر کردن را ترجیح داد (لو ۱۰: ۳۸-۴۲)

تأیید نمودی

و مارتا را نیز که همچون پطرس، اعلام نمود

که تو، مسیح پسر خدای زنده هستی (یو ۱۱: ۲۷).

اکنون زنان با تو همراهند و می‌گیرند

اما تو به آنان می‌گویی: برای خود و اولاد خود ماتم کنید.

جهان پر است از اشک مادران

آن مادران بی رمق (plaza de Mayo)

و آن شاعره‌های روس که هفده ماه مقابل زندانها ایستادند.

جهان پر است از اشک مادرانی که

فرزندانشان توسط مواد مخدر، پول یا گرسنگی دزدیده شده‌اند.

خواننده دوم: راحیل، آسایش را بر خود حرام می‌کند (ار ۳۱: ۱۵)

و کشتار بی‌گناهان ادامه می‌یابد.

و زنان برای شما می‌گیرند

بر گلهای بهاری.

ای خداوند، تازه ساز، احیاگردان،

تمام فرزندان ما را زنده کن.

از نیروی حیات خود به ما ببخش، همچون آن چوب تر،

تا آن زن ملبس به آفتاب و تمام زنان دیگر،

بر زمینی وضع حمل کنند که، اورشلیم جدید

بر آن نازل می‌شود.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم

همه: ای خداوند، تو زن را در آزادی‌اش

همچون یک شخص تثبیت می‌کنی.

شاید او آزادانه به جهان دست یابد

اما از طریق طبع زنانه خویش.

شاید او مادر کسی باشد که

نوع بشر را تسلی می‌بخشد، یعنی آن فرزند گم شده را.

شاید آن زن قوی باشد

که به خاطر حقیقت مبارزه می‌کند.

تو را متبارک می‌خوانیم، ای مریم مقدس،

تو که هیچ‌گاه شک نکردی

در رویارویی با این ماجرای باور نکردنی

از جشن عروسی قانا تا این واقعه خونین.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله نهم عیسی برای سومین بار بر زمین می افتد

(مراثی ارمیا ۳: ۲۷-۳۲؛ انجیل متی ۱۱: ۲۸-۲۹)

برای انسان نیکوست که یوغ را در جوانی بردارد،
به تنهایی بنشیند و ساکت باشد،
زیرا که او آن را بر وی نهاده است،
دهان خود را برخاک بگذارد (که شاید امید باشد)،
رخسار خود را به زندگان بسپارد و از خجالت سیر شود.
زیرا خداوند تا ابد او را ترک نخواهد نمود.
زیرا اگر چه کسی را محزون سازد،
لیکن بر حسب کثرت رأفت خود، رحمت خواهد فرمود.
بیایید نزد من ای تمامی زحمت کشان و گران باران
و من شما را آرامی خواهم بخشید.
یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید
زیرا که حلیم و افتاده دل می باشم
و در نفوس خود آرامی خواهید یافت.

تعمق

بندگردان: چنین شد آشکار بر ما محبت‌های ربانی
به هنگام گناه ما مسیح گردید قربانی.
خواننده اول: برای سومین بار،

عیسی می افتد بیشتر از تمام افتادن‌های ما،
تا خود را برای همیشه
میان ما و جهنم تهی و خالی قرار دهد،
میان ما و بوجی فساد.

اکنون در سکوت، امید متولد می شود
زیرا در تحقیر و اهانت آن خدا-انسان
چیزی جز محبت وجود ندارد؛
آن محبت ابلهانه‌ای که بر طغیان ما فایق می آید
آن را مصلوب شده نشان می دهد.

پس در اعماق وجود ما
غم و اندوه به نفس روح بدل می شود
و ما به دشمنان دیگری نیاز نداریم
که ظلمت خود را بر آنها نهیم.
اکنون همراه تو تلاش می کنیم
تا پیچیدگی جفا را بگسلیم:

اگر کسی بر گونه راست تو سیلی زد،
گونه دیگر را به سوی او بگردان (مت ۵: ۳۹؛ لو ۶: ۲۹).
و این را تو گفتی- این است تناقض‌نمایی محبت.
خوشا به حال صلح‌کنندگان این حیات
زیرا آنان فرزندان خدا خوانده خواهند شد (مت ۵: ۹).

خواننده دوم: ما از دهکده‌ای که در آن جمع بودیم جدا گردیده‌ایم،
و همچون چادرنشینان ثابتی به مناطق مجاور و اطراف پراکنده شده‌ایم،
ما دیگر خانه‌ای نداریم جز تو، و قلبهایی که تو در آنها ساکن می شوی.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم
همه: باشد که رحمت خدا به من

اجازه دهد تا عمل نمایم،

تا جرأت کنم که یک قدم را در برابر قدم دیگر بگذارم
نه در جای تهی و خالی بلکه در بخشایش.

باشد که روح القدس که تو را نگاه می‌دارد، ای عیسی،
همان‌گونه که به میل خود به سوی جلجتا پیش می‌روی،
باری به من دهد که هم سنگین باشد و هم سبک،

یوغ آزادی واقعی

که مرا در برابر دیگران مسؤول می‌سازد.

اکنون خاکی که صورت تو بر آن

نقش بست را خمیر می‌گیریم

تا تمام زمین همچون ورونیکا گردد.

ما خاک را خمیر می‌گیریم تا به مردان

و زنان نان دهیم، در مفهوم حیات، زیبا،

نانی با طعم قربانی مقدس،

که با حکمت آن مصلوب شده در نظر گرفته شده،

زیبایی و جمالی که از مرگ می‌گذرد

و خود را منشأ اتحاد می‌سازد.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله دهم لباسهای عیسی را تقسیم می‌کنند

(انجیل متی ۲۷: ۳۳ و ۳۴؛ انجیل یوحنا ۱۹: ۲۳ و ۲۴)

و چون به موضعی که به جلجتا یعنی کاسه سر مسمی بود رسیدند...
سرکه ممزوج به مُر به جهت نوشیدن به او دادند،
اما چون چشید، نخواست که بنوشد.

پس لشکریان چون عیسی را صلیب کردند، جامه‌های او را برداشته
چهار قسمت کردند، هر سپاهی را یک قسمت و پیراهن را نیز.

اما پیراهن درز نداشت بلکه تماماً از بالا بافته شده بود.

پس به یکدیگر گفتند این را پاره نکنیم

بلکه قرعه بر آن بیندازیم تا از آن که شود.

تا تمام گردد کتاب که می‌گوید:

«در میان خود جامه‌های مرا تقسیم کردند و بر لباس من قرعه افکندند».

تعمق

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی

قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می‌کنی

باشد که در زخمهای تو شفا یابیم

در زخمهای تو شفا یابیم

خواننده اول: زنان برای کمک به کاهش درد آن مصلوب شده

مقداری شراب مخلوط با مُر آوردند.

عیسی آن را نمی پذیرد (مر ۱۵:۲۳)

تا این که نه موت و نه رستاخیز او محدود نگردد.

اما سربازان جهت استهزاء وی صمغ بلوط به او می نوشاند

و می خواهند که به درد جسمانی اش بیفزایند

همچنان که به درد جانش می افزایند.

بر روی کوه تبدیل هیئت

لباسهای مسیح سفید و درخشان شده بودند (لو ۹:۲۹).

سربازان لباسهای او را در می آورند

و عظمت‌های جهان، کوهها، دریاها، ستارگان

و تاکها و خوشه‌های گندم، دیگر او را نمی پوشانند.

آخرین لباس کردن،

از بدنی فراموش شده، بدنی بی حرمت گردیده، بدنی مجروح گشته.

در جهان دیگر چیزی نیست مگر تاریکی و ظلمت.

اما برای تمام کسانی که جرأت نکردند

پیراهن بدون درز او را پاره کنند.

خواننده دوم: و در مورد ما مسیحیان، ما چه کار می کنیم؟

حتی در پای صلیب

در مورد آن پیراهن بحث می کنیم

و به عیسی جامی تقدیم نمی کنیم

که همه می توانند بنوشند

بلکه جامی سرشار از اختلافاتمان.

پیراهن بدون درز، کلیسای روح القدس،

در مسیح، که قابل تقسیم نیست.

قدیسین، عادلان، شهیدان،

بانیان حیات و زیبایی،

کسانی که به خاطر عدالت جفا می بینند،

پیوسته لباس نور را ترمیم می کنند.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم

همه: خداوندا، ما لباس تو را در میان

خود تقسیم نموده ایم.

و آنها را به شرق و غرب،

و به شمال و جنوب پراکنده ساخته ایم.

به ما کمک کن تا بفهمیم

که اختلاف نظرها

نور را منقسم نمی سازند.

به طور اسرارآمیزی، پیراهن بدون درز باقی می ماند،

اجتماع مقدسین و گناهکاران هنوز وجود دارد.

به ما اجازه بده این را بار دیگر کشف کنیم

در پای صلیب،

نه در حرص و طمع که جدا می سازد

بلکه در محبت برای انسان غمها،

و برای تمام انسانیت غم انگیز.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

مرحله یازدهم عیسی به صلیب میخکوب می شود

(انجیل متی ۲۷: ۳۵-۴۲؛ انجیل لوقا ۲۳: ۳۹-۴۳)

پس او را مصلوب نموده... و در آنجا به نگاهبانی او نشستند. تقصیرنامه او را نوشته بالای سرش آویختند که این است عیسی پادشاه یهود. آن گاه دو دزد یکی بردست راست و دیگری برچپش با وی مصلوب شدند. و رهگذران سرهای خود را جنبانده کفرگویان می گفتند: ای کسی که هیکل را خراب می کنی و در سه روز آن را می سازی خود را نجات ده، اگر پسر خدا هستی از صلیب فرود بیا. همچنین نیز رؤسای کهنه با کاتبان و مشایخ استهزاء کنان می گفتند: دیگران را نجات داد اما نمی تواند خود را برهاند، اگر پادشاه اسرائیل است اکنون از صلیب فرود آید تا بدو ایمان آوریم. و یکی از آن دو خطاکار مصلوب، کفر گفت که اگر تو مسیح هستی خود را و ما را برهان! اما دیگری او را نهیب زد و گفت... ما به انصاف چون جزای عمل خود را یافته ایم لیکن این هیچ کار بیجا نکرده است. پس به عیسی گفت، ای خداوند مرا به یاد آور زمانی که به ملکوت خود آیی. عیسی به وی گفت هر آینه به تو می گویم امروز با من در فردوس خواهی بود.

تعمق

بندگردان: یک صدا: آمین آمین شما را گویم:
همه: اگر دانه گندم به زمین افتاده نمیرد، تنها ماند.

اما اگر بمیرد ثمر بسیار آورد

هللویاه، اگر بمیرد ثمر بسیار آورد

هللویاه، هللویاه، هللویاه،

خواننده اول: نور در تاریکی می درخشد

اما تاریکی پذیرای آن نیست (یو: ۱: ۵).

شریر صرفاً هرج و مرج نیست

انگار نیستی در حال حرکت باشد،

بلکه ادراک خودسری است که می خواهد ما را به شک اندازد.

عیسی گفت، او از اول قاتل بود (یو: ۸: ۴۴)،

شخصی، که به طور عجیبی منقسم گشته

زیرا می پذیرد که اسم او لژیون است (لو: ۸: ۳۰).

قبلاً در بیابان از عیسی خواسته بود

تا کارهای عجیب به عمل آورد.

او را در این لحظه واپسین وسوسه می کند:

تا قدرتش را نشان دهد زیرا او پادشاه است،

تا بلکه به طور معجزه آسایی از صلیب فرود آید،

و همه او را تحسین کنند و به عنوان رهبر خود برگزینند.

چه او شخصی باشد قدرتمند و با نفوذ بر توده مردم

یا محبتی مصلوب شده.

خواننده دوم: عیسی خاموش می ماند.

او به دزدی که او را مسیح قدرت و جلال
خطاب می کند پاسخی نمی دهد.

اما به دزد دیگر که ایمانش را اعلام می نماید،
راه فرودس را همان دم و همان جا بر او می گشاید.
زیرا کلمه تن گرفت و بر صلیب کشیده شد،
اما فرودس را درون خود داشت،
و در قلب زمین خون آلود
درخت حیات تازه ای را می کارد.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم

همه: خداوندا، من دزدی هستم که

کفر می گوید و در عین حال به تو اعتماد می کند.
ای عیسی مرا در آن اعتماد یک تن ساز،
تا هنگامی که طغیان می کنم و به شک می افتم،
تا در هر لحظه موت خود،

تو را خطاب نمایم:

«مرا به یاد آور هنگامی که به ملکوت خود آیی» (لو ۲۳: ۴۲).
پس آن لحظه به دروازه ابدیت بدل خواهد شد،
مرگ تو داوری من است،
نور قلب تو بهشت من است.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله دوازدهم عیسی بر روی صلیب جان می سپارد

(انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵-۲۷؛ انجیل متی ۲۷: ۴۵-۴۶ و ۵۰)

و در پای صلیب عیسی،

مادر او و خواهرش مریم زن کلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند.
هنگامی که عیسی مادر خود را با آن شاگردی که دوست می داشت ایستاده
دید به مادر خود گفت ای زن اینک پسر تو.
و به آن شاگرد گفت، اینک مادر تو.

از ساعت ششم تا ساعت نهم تاریکی تمام زمین را فروگرفت
و نزدیک به ساعت نهم، عیسی به آواز بلند صدا زده گفت:
ایلی، ایلی، لما سبقتنی؟ یعنی الهی، الهی، مرا چرا ترک نمودی؟
... عیسی باز به آواز بلند صیحه زده، روح را تسلیم نمود.

تعمق

بندگردان: خدای من، خدای من،

چرا مرا ترک نموده ای؟

یهوه تنها امید من.

خواننده اول: نزدیک صلیب، مادر و آن شاگرد

و دو زن دیگر، یعنی تنها وفاداران ایستاده اند
در حالی که شاگردان دیگر گریخته بودند.
اولین کلیسایی که عیسی، در هنگام مردن،

روحش را به آن داده بود (یو ۱۹:۳۰).
روحي که از پهلوی شکافته او بیرون می ریخت
با آب تعمید و خون راز سپاسگزاری.
او مادر و آن شاگرد را به یکدیگر سپرد؛
در این مشارکت عظیم که همه ما را
دوستان آن شاگرد می سازد
و زن را مادر همه ما.
خواننده دوم: پسر خدا، بله، خود خدا،
از جهنم ما به طریق انسانی رنج می برد،
جهنمی از عدم حضور خدا.
چرا، چرا مرا ترک نمودی؟
برای لحظه ای به نظر می رسد که
اتحاد پدر و پسر شکسته می شود،
عیسی به جایی دور دست رفته تا
سؤال یأس آور ما را از آن خود سازد.
فریادی دیگر برای ما بلند می شود:
«ای پدر روح خود را به دستان تو می سپارم» (یو ۲۳:۴۶).
و دوزخ که برای لحظه ای گشوده می شود با
نَفَس عظیم رستاخیز پر می گردد.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم
همه: ما در اینجا در سکوت، در پای صلیب هستیم

جایی که خدای تن گرفته به خاطر محبت می میرد.
به خاطر ما تا محبت کرده شویم، کینه و اتهام را خاموش می سازد،
اتهامات ما علیه تو و علیه دیگران.
آزادی ما سرانجام قادر می گردد تا رها شود
در سکوت قلب، فریادی ناگهانی
با اشکها همراه می گردد:
ای خداوند من و ای خدای من.
و ما نیز آن گفته کهن رهبانی را درک می کنیم:
کسی که برادر و خواهری را می بیند، پدر را می بیند.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

کشیش:

مرحله سیزدهم عیسی از صلیب پایین آورده می شود

(انجیل متی ۲۷: ۵۵ و ۵۷ و ۵۸)

و در آنجا زنان بسیاری که از جلیل در عقب عیسی آمده بودند تا او را خدمت کنند از دور نظاره می کردند. اما چون وقت عصر رسید شخصی دولتمد از اهل رامه یوسف نام که او نیز از شاگردان عیسی بود آمد و نزد پیلاتس رفته جسد عیسی را خواست؛ ... آن گاه پیلاتس فرمان داد که داده شود.

تعمق

بندگردان: رحمت فرما خداوندا، رحمت فرما که ما آدمیان در گناه هلاک نشویم.
خواننده اول: در هنگام تاریکی، آرامش عجیبی پدید آمد سرخ همچون دریایی که آفتاب بر آتش می نهد هنگامی که در افق غروب می کند. زنانی که از عقب عیسی آمدند هنوز اینجا هستند. او شک نکرده بود که آنان را شاگردان خود سازد. محبت غمگینانه آنان، از ترس محفوظشان می دارد. آنان رسولان رسولان هستند. آنان از جلیل امتهای آیند،

از تپه هایی که هنوز مژده های سعادت را منعکس می سازند، آنجا که زمین دریاچه ای مدور به آسمان ارائه می دهد. آنان مزبور مراسم تدفین را می سرایند -خوشابه حال آنانی که شهادت او را حفظ می کنند، و به تمامی دل او را می طلبند (مز ۱۱۹: ۲) تا اعتماد ثابت خود را در خداوند، ملجای ما و مأمین ما اظهار دارند.

خواننده دوم: یوسف شریف نزدیک می شود، او که در سخاوت غنی بود. او نمی ترسید که با پیلاتس بی رحم مواجه شود و آن جسم زخم خورده را بطلبد که موت آن را اثری ماندگار ساخته بود. یوسف که معنی نامش ثمربخش است، پدر است همزمان هم در جسم و هم اکتسایبی. یک یوسف تو را چون کودکی خردسال در بازوانش گرفته بود و یوسف دیگر پس از مرگت تو را در بازوانش می گیرد. زیرا اولین فریاد کودک و آخرین آه در هنگام مرگ نام خداوند را می خوانند.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم
همه: ای عیسی،
امروز تو در خوابی فرو می روی که همچون مرگ است

کشیش:

مرحله چهاردهم عیسی را در قبر می گذارند

(انجیل متی ۲۷: ۵۹-۶۱)

پس یوسف جسد را برداشته و آن را پیچیده او را در قبری نو که برای خود از سنگ تراشیده بود گذارد و سنگی بزرگ بر سر آن غلطانیده برفت. مریم مجدلیه و مریم دیگر در آنجا در مقابل قبر نشسته بودند.

تعمق

بندگردان: ای بره خدا که جهت ما قربانی شدی، قیام کردی و نزد پدر برای ما شفاعت می کنی. باشد که در زخمهای تو شفا یابیم، در زخمهای تو شفا یابیم.

خواننده اول: زنان و روح القدس برای عیسای خفته شب زنده داری کردند، او تنها کسی است که نباید مرده باشد اما او به واسطه محبتی ابلهانه تسلیم شد تا از مرگ جشن قیام بسازد. من در قبری هستم که عیسی می خوابد، و سنگ فراموشی را بر در آن غلطانیده ام.

خواننده دوم: ای حیات، چگونه ممکن است بمیری؟

بر دماغه آن کشتی که جهان است همچون وقتی که در قایق درون دریاچه خوابیدی (مر ۴: ۳۸). دانایان گفته اند که خدا مرده است،

هیچ چیز وجود ندارد، که آسمان تهی و خالی یا نیستی، درون حفره های تاریک تراوش نماید. به ما کمک کن تا همچون آن زنان شویم که حتی در عین ناامیدی می توانستند امیدوار باشند. در شب بی تفاوتی و فریب آنجا که بسیاری ناآگاه از وجود خدا خود را خدا می پندارند. به طریقی از خود راضی و با نگاهی باطنی، ما را قاطعانه همچون آن زنان وفادار ساز، و با شهامت، همچون یوسف، بگردان.

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

بدن مرده او اینجاست اما او نمرده است،
بدن مرده او اینجاست اما او نخواهید است.
وجود او که از نور است

از طریق سنگ قبر به اعماق نفوذ می کند.
او به آن مکانهایی نزول می کند
که جهان، ترک شده از سوی ما، به درون نیستی فرو می رود.
او نزول می کند و با دستان قدرتمندش
مرد و زن را نگاه می دارد،
تمام مردان و تمام زنان را،
و آنها را در نور خود از نو می آفریند.
زیرا نور در تاریکی می درخشد
و تاریکی در آن بلعیده می شود.
قبر، غار رحم یا حجله عروسی،
زمین با آتش روح کشته می شود
همچنان که در مورد مریم، بوته سوزان ما.
مسیح می رود تا مردگان را برخیزاند،
مسیح می رود تا مردگان را برخیزاند،
آنها برای همیشه زنده خواهند ماند.

نیایش

کشیش: باهم دعا کنیم
همه: با آن دو مریم ما نیز انتظار می کشیم
بر آن دری که مهر شده است،

در قبر، در قلب، در تاریخ.

میان صلیب و رستاخیز
در طی نور ضعیف آن شنبه مقدس طولانی،
روح است که به ما امید می بخشد.
ای عیسی، باشد که موت تو، قدرت مرگ را درهم شکند
و حیات را بر زمین جاری سازد.
در نوری که ما را ناگهان در خود غرق می کند،
که درب قبر را می گشاید،
که قلب سنگ را می شکافد،
و به تاریخ معنا می بخشد.
بیایید خوشحال باشیم و شادی نماییم،
زیرا جشن عروسی بره است (مکاشفه ۱۹:۷).

سکوت

همه: ای پدر ما که در آسمانی...

بوسیدن شمایل صلیب مسیح

بندگردان: بره مذبوح و بپا خاسته
شبان ما خواهد بود
و ما را به چشمه های آب حیات هدایت خواهد کرد.

* * *